

ارتباط «انگیزش اخلاقی» با قصد و نیت فعل اخلاقی از منظر روان‌شناسی اخلاق دینی

جواد غفاری* / بهروز محمدی منفرد**
وحید واحدجوان*** / علی عسگری یزدی****

چکیده

از چالش‌های زیست اخلاقی انسان‌ها این است که به‌رغم علم به فعل اخلاقی، «انگیزش اخلاقی» لازم را برای انجام آن ندارند یا گاهی کاملاً در مقابل آن، فعل غیراخلاقی را انجام می‌دهند. این پدیده در «روان‌شناسی اخلاق» تعبیر به «ضعف اخلاقی» و «اخلاق ناپروایی» می‌شود. سؤال اصلی این است که چرا گاهی با وجود آگاهی و زمینه برای عمل، قصد و نیت برای انجام آن تحقق نمی‌یابد و با وجود معرفت اخلاقی، عمل اخلاقی انجام نمی‌شود. از آنجاکه انگیزش ناظر بر عمق فرایند روحی و روانی انسان فاعل و کنشگر قبل از نیت و رفتار است و به چرایی شکل‌گیری نیت و قصد در فاعل اشاره دارد، این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی درصدد تبیین عوامل و موانع «انگیزش اخلاقی» در شکل‌گیری نیت و قصد فرد برای انجام فعل اخلاقی است و با رویکرد «روان‌شناسی اخلاق دینی» با استناد به برخی آیات و روایات واکاوی می‌شود. با توجه به اینکه در آثار پیشین به این موضوع پرداخته نشده یا اگر پرداخته شده، از منظر روان‌شناسی اخلاق دینی نبوده است، لزوم بررسی موضوع از این لحاظ احساس می‌شود.

واژگان کلیدی

روان‌شناسی اخلاق، روان‌شناسی اخلاق دینی، انگیزش، انگیزش اخلاقی.

*. دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی دانشگاه تهران و عضو هیأت علمی دانشگاه علم و صنعت ایران.
j.rahpoo110@gmail.com
b.mohammadi.m@gmail.com
vahedjavan@ut.ac.ir
asgariyazdi@ut.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۲۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۵
**. دانشیار دانشکده معارف و اندیشه اسلامی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول).
***. استادیار دانشکده معارف و اندیشه اسلامی دانشگاه تهران.
****. استاد دانشکده معارف و اندیشه اسلامی دانشگاه تهران.

طرح مسئله

در بررسی منابع اخلاقی و فلسفه اخلاق، برخی نیت و انگیزش اخلاقی را به یک معنا گرفته و مباحث مربوط به انگیزش اخلاقی را تحت عنوان نقش فاعل در حسن اخلاقی بیان کرده‌اند (صادقی، ۱۳۹۷: ۱۰۱). البته اگر نیت را به همان معنای انگیزه فرد برای انجام فعل در نظر بگیریم، تا حدودی مسئله روشن‌تر می‌شود. اما در اینجا دو سؤال مطرح است:

۱. فرد، بالفعل، چه نیتی در انجام دادن کارش دارد؟

۲. برای خوب بودن کارش، باید چه نیتی داشته باشد؟

یعنی همان چیزی که کار را خوب می‌کند، نیت را نیز خوب می‌کند. به بیان دیگر، خوبی اخلاقی کار از انگیزه و نیت آن جدا نیست.

به طور کلی، «نیت» علت و عامل برانگیخته شدن فاعل بر عمل است. هرچند کمّ و کیف خود نیت و انگیزه با ارزش اخلاقی عمل رابطه مستقیم دارد و جایگاه و اهمیت آن در آموزه‌های دینی، با توجه به روایات، کاملاً واضح و روشن است، گاهی اصل خودبرانگیختگی و انگیزش مدنظر است، نه سمت‌وسو و جهت آن که نیت است. در این پژوهش، ابتدا توجه به ماهیت و ذات خود «انگیزش» است و در مرحله بعد، ارتباط آن با «انگیخته» که نیت و قصد از عمل اخلاقی است، سنجیده می‌شود. در تحلیل و بررسی عوامل و موانع انگیزش اخلاقی، دور از ذهن نیست که نگاهی به نیت و قصد عمل اخلاقی بیندازیم. دلیلش این است که احتمال دارد برخی موانع و عوامل برانگیختگی، مانند نفاق، ریا و ترس، ریشه در نوع نیت‌ها و قصدهای رایج و پرتکراری داشته باشد که در تعاملات اخلاقی جامعه وجود دارد که عکس‌العمل فاعل اخلاقی را در جهت انجام و ترک فعل موجب شده است.

ریشه این مسئله به بحث از «شکاف میان معرفت اخلاقی و عمل اخلاقی» برمی‌گردد. فیلسوفان اخلاق از زمان فلاسفه یونان، سقراط، افلاطون و ارسطو به بعد، با استدلال عقلی و فلسفی، به حل این مسئله پرداخته‌اند و این موضوع مهم‌ترین مسئله در روان‌شناسی اخلاق است (موسوی اصل و همکاران، ۱۳۹۶: ص ۸). بحث انگیزش اخلاقی در آثار متفکران مسلمان به طور مستقل و با سبک و سیاقی که در میان متفکران غیرمسلمان اشاره شد وجود ندارد. در فلسفه اسلامی، در باب انگیزه برای عمل ارادی و اختیاری، بحثی تحت عنوان «مبادی عمل ارادی» مطرح می‌شود که تقریباً یکسان است و تعبیر آنها تفاوت اندکی دارد.

به طور کلی، سه مرحله برای عمل ارادی ذکر می‌کنند: در مرحله اول، فعل را تصور می‌کنیم، و

در مرحله دوم، فایده آن را تصدیق می‌کنیم که یا ظنی است یا جهلی یا خیالی یا علمی، و در مرحله سوم، شوق و میل بر اراده انجام عمل حاصل می‌شود. از این سه مرحله تعبیر به مبدأ قریب، مبدأ بعید و مبدأ ابعد نیز شده، که درواقع، این تعبیر ناشی از نگاه از عمل به قبل از آن است. این سخنان در آثار ابن‌سینا در *الهیات شفا*، صدرالمتألهین در *اسفار اربعه*، محقق سبزواری در *شرح منظومه*، علامه طباطبایی در *نهایة الحکمه*، استاد مطهری در *مجموعه آثار* و استاد مصباح یزدی در *معارف قرآن* مطرح شده‌اند.

بنابراین، با توجه به دیدگاه متفکران اسلامی، صرف علم برای انجام عمل اخلاقی کفایت نمی‌کند، بلکه باید همراه با تصدیق به فایده و شوق و اراده باشد. البته اینها هم به نوعی از علم حاصل می‌شوند؛ زیرا علم باعث برانگیخته شدن میل و ایجاد عمل می‌شود و به دلیل دیگری غیر از علم نیاز نیست (حسینی قلعه بهمن، ۱۳۹۶: ص ۱۶۲ - ۱۲۸).

با وجود این، در مراجعه به آموزه‌های وحیانی آیاتی هست که هم عنوان «باور دینی» و هم «گزاره اخلاقی» بر آنها صدق می‌کند. به عنوان نمونه، آیات یازده و دوازده سوره حجرات از آیاتی‌اند که درعین حال که باور دینی به شمار می‌آیند، می‌توان آنها را گزاره‌هایی اخلاقی نیز تلقی کرد؛ زیرا خداوند تبارک و تعالی در این آیات از رفتارهایی مثل مسخره کردن، غیبت و برخی گمان‌ها و ظنون نهی کرده است. این آیات از این حیث که در قرآن به آنها اشاره شده است و اگر ما به آن آیات باور داشته باشیم، باورهای دینی هستند و از این حیث که معطوف به حوزه اخلاق‌اند، باورهای اخلاقی به شمار می‌آیند. اکنون مسئله این است که اگر با گزاره‌ای اخلاقی مثل «لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ» (حجرات ۱۱ / یا «وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا» (حجرات ۱۲) روبه‌رو شویم که باور دینی هم تلقی می‌شود، آیا چنین باور دووجهی فرد را به سمت رفتار اخلاقی برمی‌انگیزاند؟ یعنی آیا عنصر دینی بودن یک گزاره اخلاقی تأثیری در انجام خود فعل اخلاقی دارد یا خیر؟ در پاسخ به این پرسش‌ها، ممکن است تصور شود که مواعی از قبیل «ضعف اراده» یا «اخلاق‌ناپروایی» یا «ضعف ایمان» هستند که مانع‌اند فرد مؤمن با وجود برخورداری از باور دینی اخلاقی، به سوی انجام رفتار منطبق بر آن باور برانگیخته نشود. به همین دلیل، ضرورت دارد به بررسی و تبیین عوامل و موانع انگیزش اخلاقی در آموزه‌های اخلاقی دین از منظر روان‌شناسی اخلاق دینی هم پرداخته شود.

مفهوم‌شناسی

انگیزش

مفهومی میان‌رشته‌ای است که به عنوان عامل نیرودهنده، هدایت‌کننده و نگهدارنده رفتار تعریف می‌کند.

این واژه در روان‌شناسی، اخلاق، تعلیم و تربیت و... استفاده می‌شود. در روان‌شناسی، نیروی محرکی را می‌گویند که به رفتار انسان هدف و جهت می‌دهد و غالباً دو قسم است:

۱. انگیزه‌های فیزیولوژیکی اولیه یا جسمی، مانند گرسنگی، تشنگی و نیاز به خواب؛
 ۲. انگیزه‌های شخصی، اجتماعی یا ثانوی مانند نیاز به پیوندجویی، رقابت، علایق فردی و اهداف. همچنین، تمایز مهمی بین انگیزش‌های درونی و بیرونی وجود دارد (وندان بوس، ۱۳۹۱: ۱۳۹۱).
- انگیزش میل و احساس بسیار قوی است که بر اساس آن، به سمت یک هدف حرکت و عمل می‌کنیم. بنابراین، خروجی و نتیجه انگیزش «عمل»، «احساس»، «تصمیم» و «نتیجه» است. البته انگیزش «موانع بیرونی» شامل واقعیت‌های مادی و خواسته‌های افراد، و «موانع درونی» دارد که شامل باورها، اندیشه‌ها و رفتارهای خاص خود ما می‌شود (گورمن، ۱۳۸۷: ۳۵ - ۲۵).

انگیزش اخلاقی

یک نوع قوه و نیروی محرک و برانگیزاننده برای فعل اخلاقی است و در فلسفه اخلاق دو رویکرد مشهور دارد:

۱. درون‌گرایی انگیزش اخلاقی، یعنی باورهای اخلاقی برای برانگیختن به عمل اخلاقی کافی‌اند؛
۲. برون‌گرایی انگیزش اخلاقی، یعنی باورهای اخلاقی برای برانگیختن به عمل اخلاقی کافی نیستند و نیاز به منشأ بیرونی دارند (ادواردز و بورچرت، ۱۳۹۲: ۷۷۵).

برخی انگیزش اخلاقی را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «روندی که محرک یا سرچشمه رفتار اخلاقی است». بحث از امکان و ماهیت انگیزش اخلاقی از مسائل مهم در «روان‌شناسی اخلاق» است. اختلاف بر سر این است که آیا اندیشه یا باور اخلاقی ضرورتاً انگیزه‌بخش است یا نه؟ در پاسخ به این سؤال، دو دیدگاه درون‌گرایی انگیزشی و برون‌گرایی انگیزشی شکل گرفته است. از حیث محتوا، فیلسوفان انگیزش اخلاقی را برحسب نفع شخصی و همدلی توجیه کرده‌اند (علیا، ۱۳۹۱: ۷۰).

روان‌شناسی اخلاق

شاخه‌ای از روان‌شناسی است که به مسائل روانی مرتبط با اخلاق می‌پردازد و کنش‌ورزی انسان را در زمینه‌های اخلاقی بررسی می‌کند؛ مفهوم میان‌رشته‌ای است که بیانگر رابطه روان‌شناسی و اخلاق است و از دیرباز متفکران و پژوهشگران بدان توجه کرده‌اند.

بحث از «انگیزش» از مباحث بسیار مهم و کلیدی روان‌شناسی است، درحالی‌که بحث از

«انگیزش اخلاقی» از مباحث بسیار مهم «روان‌شناسی اخلاق» است. به طور کلی، روان‌شناسی اخلاق به رابطه بین عوامل و نیازهای روانی انسان و فرایند اخلاقی زیستن می‌پردازد و همچنین درباره پیش‌فرض‌ها، نتایج و آثار روان‌شناختی اخلاقی زیستن مطالعه می‌کند. تعیین معیارها و راهکارهای روان‌شناختی اخلاقی زیستن دستاورد دیگر روان‌شناسی اخلاق است (موسوی اصل و همکاران، ۱۳۹۶: ۷-۶؛ ادواردز و بورچرت، ۱۳۹۲: ۵۲۱).

روان‌شناسی اخلاق دینی

مفهوم میان‌رشته‌ای برگرفته از مباحث «روان‌شناسی دین» و «روان‌شناسی اخلاق» است. در آثار مربوط به این دو رشته به طور مستقل کمتر به روان‌شناسی اخلاق دینی پرداخته شده است. در آثار معاصر، دانشی تحت عنوان «روان‌شناسی اسلامی» هم مصطلح شده است که بی‌ارتباط با «روان‌شناسی اخلاق دینی» نیست. در روان‌شناسی اخلاق دینی از بررسی و تحلیل روان‌شناختی مفاهیم ارزشی و اخلاقی که در دین توصیه و تأکید شده است بحث می‌شود. بنابراین، می‌توان تحلیل روان‌شناختی مفاهیم ارزشی و اخلاقی دین را که خارج از دایره عقاید و احکام است، روان‌شناسی اخلاق دینی نامید (آذربایجانی و موسوی اصل، ۱۳۸۵: ۹-۷؛ خدایاری‌فرد و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۱-۹).

روان‌شناسی اخلاق دینی در ادبیات مباحث اخلاقی مشهور و پرکاربرد نیست و ممکن است برخی در نگاه اول، آن را در مباحث «روان‌شناسی دین» حل شده بدانند؛ اما با توجه به مطالعه و بررسی‌ای که در مسیر تدوین مقاله انجام پذیرفته است به این نتیجه رسیده‌ایم که این موضوع مستقل از روان‌شناسی دین، قابلیت و ظرفیت طرح دارد. با ذکر چند مقدمه، این مدعا اثبات‌شدنی است:

مقدمه اول

همان‌گونه که در ادبیات نوشتاری و گفتاری شهرت دارد و امر پذیرفته‌شده‌ای است، دین مجموعه تعالیم و آموزه‌هایی است که انبیای عظام الهی از طرف خداوند به بشر ابلاغ کرده‌اند و شامل سه بخش عمده باورها و اعتقادات، اخلاق و ارزش‌های انسانی و احکام و اصول عملی مربوط به مناسک می‌شود و این سه بخش در عین هم‌پوشانی و ارتباط با یکدیگر، شأن و جایگاه مستقل از یکدیگر در مباحث دارند (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۱۱۱).

مقدمه دوم

در آثار متأخر و معاصر روان‌شناسی دین، اغلب به کلیت دین با قطع نظر از این بخش‌های مستقل،

پرداخته می‌شود؛ ازجمله اینکه ریشه و خاستگاه گرایش انسان به دین از منظر و تحلیل روان‌شناسانه چگونه و چرا شکل گرفته است؟ یا اینکه مکاتب و سنت‌های روان‌شناسانه در این موضوع چه دیدگاهی دارند؟ همچنین، بررسی امکان سنجش دین‌داری و روش اندازه‌گیری آن و مطالعه ابعاد و آثار دین‌داری از زمینه‌های پرداختن به این موضوع است، یا کسانی مانند «فروید» برای رد و انکار دین با تحلیل‌های روان‌شناسی وارد کار شده بودند که شاگردانش مثل «یونگ» به بررسی و نقد سخنان او پرداختند و از طرفی دیگر، گرایش‌های مثبت به توصیف روان‌شناسانه از دین مانند «ویلیام جیمز» داریم. بنابراین، رویکرد مؤلفان تمام این آثار در نگاه جامعشان به دین، یا رویکرد توصیفی و درونی است یا رویکرد تبیینی و بیرونی است (آذربایجانی و موسوی اصل، ۱۳۸۵: ۲۴ - ۱۰).

مقدمه سوم

روان‌شناسی اخلاق، که از عمر آن دیری نگذشته، تفسیرهای روان‌شناسانه از ملاک‌ها و معیارهای رفتار اخلاقی و لزوم پایبندی به آنهاست. این رشته محل تلاقی اخلاق و روان‌شناسی است. بنابراین، شامل مباحث روان‌شناسی می‌شود که رنگ و بوی اخلاقی دارد. مثلاً بحث «انگیزش» از مباحث مهم و کلیدی روان‌شناسی است و اگر بنا باشد از «انگیزش اخلاقی» بحث کنیم، وارد موضوع «روان‌شناسی اخلاق» می‌شویم (موسوی اصل و همکاران، ۱۳۹۶: ۶) و چنان‌که خواهیم همین مفهوم «انگیزش اخلاقی» را در آموزه‌های اخلاقی دین واکاوی کنیم، هیچ بُعدی ندارد که بگوییم که این موضوع روان‌شناسی اخلاق دینی است.

البته در مباحث و مطالعات روان‌شناسی معاصر مفهوم «روان‌شناسی اسلامی» هم به عنوان رشته و موضوع جدیدی طرح شده است (و این هم عمر زیادی ندارد)؛ اما ربط و نسبت آن با روان‌شناسی اخلاق دینی قابلیت بررسی و مطالعه دارد (ر.ک: خدایاری فرد و همکاران، ۱۴۰۰).

مقدمه چهارم

وجود نظام جزا و پاداش در دین با استناد به آیات و روایات بی‌شمار، امری مسلم و انکارناپذیر است و مهم‌ترین فلسفه وجودی آن ترغیب و تشویق افراد مؤمن به انجام افعال اخلاقی و پرهیز از افعال غیراخلاقی است. بنابراین، با قطع نظر از تمام مناقشات علمی که در ارتباط علم و دین روایت شده، این تأثیر و ایجاد انگیزه برای رفتار اخلاقی امری فراتر از این مباحث و به عبارتی، مستقل از این تعارضات است و در گزارش از رفتار مؤمنانه تمام انسان‌ها در تاریخ خود را نشان می‌دهد.

ایمان اصلی‌ترین و پایه‌ای‌ترین منبع و منشأ انگیزش اخلاقی در دین است و حتی می‌توان گفت کانون تمام انگیزش‌ها در انسان است. ایمان باور و معرفت روان‌شناختی عمیق است و مؤلفه‌های آن باور عمیق و قوی به وجود خداوند و این حقیقت که انسان می‌باید پاسخ‌گوی رفتارش در زندگی باشد و این ارتباط وثیق ایمان با دانش است که انگیزش قوی برای رفتار ایجاد می‌کند. تقوا نیروی انگیزشی همراه ایمان است که رفتار انسان را هدایت می‌کند و انسان را به سمت کنترل امیال و غریزه‌ها و رشد و یکپارچگی شخصیت می‌کشانند و تبدیل به انگیزش درونی می‌شود و کارایی و برتری بیشتری نسبت به ضمانت‌های ساخته انسان می‌شود که فقط کنترل بیرونی دارد (همان: ۱۰۲).

به نظر می‌رسد امکان «روان‌شناسی اخلاق دینی» را هم می‌توان در قالب کلی، امکان «علم دینی» هم در صورت خاص‌تری در قالب امکان «روان‌شناسی اسلامی» بررسی کرد. در بحث از امکان علم دینی، دیدگاه مخالف و موافق بسیاری وجود دارد، که امکان پرداختن به آن در اینجا نیست؛ اما پذیرش فرض تحقق چنین علمی مبنای این مقاله است. به‌هرحال، در پژوهش‌ها و آثار معاصر راجع به وجود و امکان روان‌شناسی دینی یا اسلامی مطالعاتی صورت پذیرفته و با استدلال و منطق قابل‌قبولی امکان روان‌شناسی اسلامی ثابت شده است (ر.ک: همان).

تطبیق انگیزش در روان‌شناسی و اندیشه دینی

مقایسه نقش دین در انگیزش اخلاقی با نظریه‌های انگیزشی در روان‌شناسی، تفاوت‌ها را در نگاه به خدا و انسان و جهان کاملاً آشکار می‌سازد. مکاتب روان‌شناسی درباره نظریه‌های انگیزشی، به دو بخش نظریه‌های تاریخی و معاصر تقسیم می‌شوند. دیدگاه‌های اولیه درباره انگیزش بر غرایز یا تمایلات فطری تأکید داشتند (مانند جیمز، ۱۸۹۰؛ مک دوگال، ۱۹۲۶) و نظریه‌های رفتاری که انگیزش را در قالب تغییر در فراوانی وقوع یا شکل رفتار می‌دانستند که در پی محرک‌های محیطی روی می‌دهد و در مقابل نظریه‌های شناختی که بر نقش ساختارهای ذهنی، پردازشگری اطلاعات و باورهای فرد در انگیزش تأکید دارند و همین منشأ شکل‌گیری نظریه‌های معاصر درباره انگیزش شده است (خدایاری‌فرد و همکاران، ۱۴۰۰: ۹۷).

در علم روان‌شناسی، به لحاظ نگاه تاریخی و معاصر، در مطالعه انگیزش حداقل شش رویکرد وجود دارد که هریک مشتمل بر چند نظریه است: ۱. نظریه‌های غریزه؛ ۲. نظریه‌های یادگیری - تقویت؛ ۳. نظریه‌های نیاز؛ ۴. نظریه‌های کشاننده (سائق)؛ ۵. نظریه‌های رشد و تسلط‌جویی؛ ۶. نظریه‌های شناختی. هریک از این نظریه‌ها متفکران مشهور در روان‌شناسی دارد (شجاعی، ۱۳۹۷: ۱۸).

برای ورود به بحث انگیزش در آموزه‌های دینی، لازم است به اشکالات و ابهاماتی که مشترک در همه نظریه‌های روان‌شناختی انگیزش است، اشاره شود و آن اینکه روان‌شناسان دقیقاً مشخص نکرده‌اند که نظریه انگیزش در پی یافتن چه سطحی از «علت رفتار» است؟ علت تامه یا ناقصه، علت بی‌واسطه یا باواسطه، علت انحصاری یا جانشین‌پذیر یا علت ایجادی و اعدادی؟ یا اینکه ممکن است یک سلسله عوامل و فرایندهای دیگر نیز به صورت علی‌البدل یا مکمل در ایجاد و تداوم رفتار نقش داشته باشد. بنابراین، تأکید و پافشاری نظریه‌پردازان بر مفهوم خاصی مانند نیاز، سائق، مشوق، جذابیت، هدف یا شناخت لزوماً به معنای نفی عوامل دیگر نیست. ممکن است رفتار برحسب موارد تحت تأثیر چند عامل، به صورت علی‌البدل محقق شود. مثلاً در برخی موارد، نیازهای فرد به عنوان عوامل زمینه‌ساز رفتار عمل می‌کند و در موارد دیگر، رفتار تحت تأثیر جذابیت هدف یا مشوق‌ها برانگیخته می‌شود؛ همچنان که ممکن است همه این عوامل در رفتار نقش داشته باشند.

نکته دیگر اینکه در برخی نظریه‌های روان‌شناسی انگیزش، به یک سلسله از عوامل و مؤلفه‌هایی از قبیل عقل، اراده آزاد، نیازهای اخلاقی و معنوی که در برانگیختگی و جهت‌دهی رفتار نقش دارند اشاره نشده است و مورد غفلت و بی‌توجهی قرار گرفته‌اند. به علاوه، موضوع «جبرگرایی» را برخی روان‌شناسان درباره انگیزش رفتار انسان پذیرفته‌اند؛ مانند جبر محیط که اساس نظریه «رفتارگرایی» در روان‌شناسی است و جبر عوامل درون‌فردی که نظریه‌های غریزی انگیزش در این طیف قرار می‌گیرند و «فروید» بیشترین سهم را در طرح و ترویج این دیدگاه دارد و جبرگرایی در روان‌شناسی انگیزش که ناشی از مبالغه درباره عوامل زیستی و محیطی انگیزش است. اما در نگاه آیات و روایات، نقش عوامل زیستی و محیطی نادیده گرفته نشده است و اینها در حدی نیست که بتواند اختیار انسان را سلب کند و از نظر اسلام، اراده و اختیار از عوامل اصلی انگیزش محسوب می‌شوند.

نکته دیگر اینکه در برخی نظریه‌های روان‌شناسی انگیزش، انگیزه‌های معنوی نادیده گرفته شده‌اند. در شخصیت انسان‌ها، همواره تمایل به سوی معنویت وجود دارد؛ اما روان‌شناسان انگیزش را فقط در سطح عوامل و فرایندهای زیستی یا کمی بالاتر، عوامل روانی - عاطفی صرف تبیین کرده‌اند؛ درحالی‌که اگر انسان را در مقام ذات و صفات و افعال با هویت و خصلت از «لویی» بشناسیم، یعنی هرآنچه را که انسان دارد از خدا و به سوی خدا بدانیم، اندیشه ما توحیدی، و این نظریه، نظریه انگیزشی مطلوبی خواهد بود (همان: ۹۰ - ۸۷).

از نگاهی دیگر برای انگیزش، مبانی‌ای در اندیشه دینی می‌توان در نظر گرفت:

۱. مبانی خداشناسانه انگیزش، یعنی خداوند خالق و مالک هستی است و تدبیر این عالم با همه گستردگی که دارد و شامل رفتار و انگیزه‌های انسان هم می‌شود در دست تدبیر اوست؛ درعین‌حال که انسان در سرنوشت و ساختن زندگی خودمختار است و همین اختیار انسان هم با اراده و خواست خدا تحقق یافته است؛ بدان معنا که میل به انجام برخی رفتارها را در انسان قرار داده است و از همین طریق، نفوذ در انگیزه‌ها و رفتارهای انسان دارد (البته این در راستای عقل و قدرت اراده و انتخاب انسان است و هیچ‌گونه جبری تلقی نمی‌شود). به عنوان نمونه، در آیه سوم سوره انسان می‌فرماید: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»؛ راه را مشخص کرده، و انسان مختار است یا زندگی مؤمنانه همراه با شکر را انتخاب کند یا زندگی کافرانه همراه با انکار نعمات الهی را. بستگی دارد میل و انگیزه او به کدام جهت سوق پیدا کند؛

۲. مبانی هستی‌شناسانه انگیزش؛ بدین معنا که رفتار و انگیزش انسان متأثر از اصولی است که بر جهان هستی حاکم است؛ مانند اصل علیت، ماهیت از «اویی» و به سوی «اویی»، هدفمندی، اشرف مخلوقات بودن انسان و تسخیر جهان به دست او و تقسیم جهان هستی به دو بخش دنیا و آخرت. اعتقاد به این مبانی تأثیر بسیاری در نگرش و رفتار و انگیزش انسان می‌گذارد و قلمرو رفتار انسان از امور مادی و دنیوی به امور معنوی و اخروی گسترش می‌یابد؛

۳. مبانی انسان‌شناسانه انگیزش: این مبانی پیش‌نیاز اصلی شناخت انسان برای ورود به مباحث روان‌شناختی انگیزش است. زیرا انسان دارای دو ساحت جسم و روح است و دارای ویژگی‌های فراحوانی است؛ موجودی هدفمند است؛ موجودی جاودانه طلب است و کمال‌گرایی ماهیت ذاتی او است و همچنین با بهره‌مندی از نیروی عقل، دارای اختیار و اراده آزاد است و مسئول و پاسخ‌گوی رفتارهای اختیاری خود است و درنهایت اینکه به صورت فطری دارای «حبّ ذات» است؛ بنابراین اوصاف، انگیزش انسان در اندیشه دینی و غیردینی متفاوت خواهد بود (بشیری، ۱۳۹۳: ۲۶ و ۴۲).

انگیزش اخلاقی در آموزه‌های اخلاقی دین

در برخی آثار اخلاقی، متفکران مسلمان، همچون ملا محمد مهدی نراقی، مباحث مربوط به مبانی رفتار را در مباحث شناخت «قوای نفس» مطرح کرده‌اند. از همین‌رو، پیشینه تاریخی مباحث روان‌شناسی انگیزش و مبانی رفتار را در بحث از مفهوم «قوه» یا «قوای نفس» می‌توان جست‌وجو کرد. مطالعه و بررسی قوای نفس شامل جنبه‌های شناختی، عاطفی و دیگر فرایندهای درونی مؤثر بر رفتار می‌شود. برخی متفکران چهار قوه را ذکر کرده‌اند: ۱. قوه عاقله؛ ۲. قوه وهمیه؛ ۳. قوه شهویه؛

۴. قوه غضبیه؛ که هریک موجب ایجاد و هدایت و کنترل رفتار خاص در انسان می‌شوند. قوه شهوت فرایند اشتها و امیال بدن مانند گرسنگی و میل جنسی را هدایت و کنترل می‌کند. قوه غضبیه به دور کردن امور ناخوشایند و جلوگیری از آنها، ایجاد مفاهیم جزئی از قبیل عشق و محبت و به طور کلی مسائل عاطفی و احساسی که حاصل ارتباط قواست کمک می‌کند. قوه عاقله هم در مرتبه بالاتر است و نقش هدایت و کنترل قوای دیگر را دارد تا انسان در تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب‌های خود دچار لغزش و انحراف نشود و تحت تأثیر شهوت یا غضب متوهمانه رفتار نکند (نراقی، ۱۳۹۰: ۴۶). البته وجود هریک از این قوا برای بروز رفتار متعادل در انسان ضروری است. بنابراین، رویکرد علمای اخلاق درباره مبانی رفتار ارتباط نزدیکی با روان‌شناسی انگیزش دارد. در این دیدگاه، مباحثی در زمینه طبیعت انسان شروع می‌شود که در آن به عوامل و فرایندهای درون‌فردی بیشتر از فرایندهای محیطی توجه شده است. پس، ریشه‌های روان‌شناسی انگیزش را می‌توان در نوشته‌ها و آثار اخلاقی یافت (شجاعی، ۱۳۹۷: ۹۷).

در آموزه‌های دینی، یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های رفتار انسان «انگیزه‌های اخلاقی» دانسته شده است. البته در برخی آثار در کنار انگیزه اخلاقی، به «انگیزه لذت» و «انگیزه معنوی» هم اشاره شده است، که لذت‌طلبی در محدوده عقل و شرع مورد تأیید آموزه‌های دینی است و حتی حصول آن برای بقا و تداوم حیات طبیعی انسان ضروری دانسته می‌شود و انگیزه معنویت‌طلبی حاکی از تعالی روحی انسان است که در آیات و روایات تحت عنوان «برای خدا و در راه خدا بودن» مطرح شده است. انگیزه‌ای که افراد را به چنین رفتارهایی تحریک می‌کند، برترین و خالص‌ترین انگیزه‌هاست. در آیات و روایات، مفاهیمی مانند مفهوم اراده، نیت و شوق هستند که می‌توانند با مفهوم انگیزش در روان‌شناسی ارتباط معنایی داشته باشند و مفاهیمی هم مثل غرایز، امیال، شهوات و نیازها پیش‌زمینه ایجاد انگیزش و انگیزه در انسان می‌شوند و مفهومی هم نقش کنترل و بازدارندگی در برابر رفتارهایی را دارد که غرایز و امیال و شهوات موجب آن می‌شوند، و آن نیروی انگیزشی «عقل» است. به هریک از این مفاهیم در ادامه بحث اشاره می‌کنیم.

۱. نقش انگیزشی «نیت» در آموزه‌های اخلاقی دین

«نیت» در لغت به معنای قصد و عزم بر کاری است (ابن‌منظور، ۱۴۰۸: ق: ۱۴ و ۳۴۲) و در اصطلاح به معنای برانگیخته شدن نفس به سوی هر آنچه موافق هدف و غرض است. برخی علمای اخلاق (نراقی) نیت، اراده و قصد را مترادف گرفته و آنها را واسطه بین علم و عمل دانسته‌اند؛ بدان معنا که

هر عملی اول دانسته و بعد قصد می‌شود و آن‌گاه تحقق می‌یابد. در روایات، نیت به معنای پایه و اساس رفتار و ثمره آن محسوب می‌شود. ارتباط انگیزشی نیت با رفتار آن است که نیت نیز مانند انگیزش انسان را به انجام کاری تحریک می‌کند؛ با این تفاوت که نیت ارزش عمل را هم تعیین می‌کند و لذا در اندیشه دینی عملی ارزشمند است که با اخلاص بیشتری صورت گرفته باشد و اشاره به انگیزه معنوی رفتار دارد و برای همین، در رفتار انگیزه‌های متفاوتی می‌تواند وجود داشته باشد (نراقی، ۱۳۹۰: ۳۷۶ - ۳۷۱). بنابراین، نیت با انگیزه رفتار ارتباط دارد. در برخی روایات نیز به کارکردهای انگیزشی آن اشاره شده است. مثلاً امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الْثَّيَّةُ أَسَاسُ الْعَمَلِ؛ نیت پایه و اساس رفتار است.» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۷۵ / ۳) همچنین می‌فرماید: «الْأَعْمَالُ ثِمَارُ النَّيَّاتِ (همان: ۳ / ۲۶۰)؛ رفتارها نتیجه نیت‌های افراد است.» البته برخی با توجه به تعبیرهایی که از انگیزه و نیت می‌شود این دو اصطلاح را مترادف می‌دانند. شاید بشود گفت که نیت روح عمل و انگیزه آن عمل است. البته «اخلاص» در نیت نمونه‌ای از انگیزه‌های معنوی است و در انگیزش دینی درجه بالاتری دارد. در آیات و روایات هم فراوان در این موضوع صحبت شده است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «خَيْرُ الْعَمَلِ مَا صَحِبَهُ الْإِخْلَاصُ؛ بهترین رفتارها، رفتارهایی است که با انگیزه اخلاص باشد» و «مِنْ كَمَالِ الْعَمَلِ الْإِخْلَاصُ فِيهِ (همان: ۴۲۵)؛ کمال رفتار به جهت‌گیری معنوی و اخلاص بستگی دارد.»

اخلاص در نیت موضوعی انگیزشی است. گاهی فرد به انگیزه‌های فرعی دیگر هم بها می‌دهد؛ یعنی درواقع، چند انگیزه طولی دارد، اما آنچه به عمل ارزش و بها می‌دهد، همان انگیزه اصلی است (شجاعی، ۱۳۹۷: ۱۶۷).

۲. نقش انگیزشی «عقل» در آموزه‌های اخلاقی دین

«عقل» در لغت به معنای منع، جلوگیری و امساک است. در زبان عربی، به زانوبند شتر، که مانع حرکت او به هر جهت می‌شود، «عقال» می‌گویند. در انسان نیز نیروی عقل نقش بازدارندگی از ارتکاب گناه و رفتارهای غیراخلاقی دارد. عقل در اصطلاح، یعنی قوه درک‌کننده که انسان را از جمادات، نباتات و حیوانات متمایز می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۳۹۸: ۶۴۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۲۶ ق: ۵۷۸). رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «عقل زانوبند نادانی است. اگر نفس اماره، که شرورترین جنبندگان است، پایش عقل زده نشود و با نیروی عقل کنترل نشود، بیراهه می‌رود» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ق: ۱۵). امام حسن علیه السلام در پاسخ پدر که از چیستی عقل سؤال می‌کنند، می‌فرماید: «اینکه دلت آنچه را به او می‌سپاری نگه دارد» (مجلسی، ۱۴۰۴ ق: ۱ / ۱۱۶).

نقش انگیزشی عقل به این است که رفتار را مستحکم کند و به آن جهت دهد. نیازها، غرایز، امیال و هیجانات در صورت ضعف عقل، بر رفتار انسان حاکم می‌شوند و خودشان را جایگزین عقل در انگیزش رفتار می‌کنند. نقش انگیزشی عقل این است که جنبه‌های مختلف رفتار را بررسی کند و به امیال و غرایز جهت‌گیری به سوی اهداف مثبت دهد. ریشه و خاستگاه انگیزشی عقل در درون انسان است، نه در بیرون و محیط او و آن امری طبیعی و فطری است که به سوی خوبی‌ها و کمال گرایش دارد. اطلاعات و آگاهی‌ها و تجربیات بیرونی نیز به واسطه عقل پردازش و تجزیه و تحلیل می‌شود. مفاد روایات هم بر این است که عقل به عنوان عامل مهم انگیزشی، از درون اعمال و رفتار انسان را متناسب با تجربیات و آگاهی‌ها و شناخت‌های بیرونی، هدایت و کنترل می‌کند.

رسول خدا ﷺ فرمودند:

إِنَّ الْعَقْلَ عَقَالٌ مِنَ الْجَهْلِ وَالنَّفْسَ مِثْلُ أَخْبَثِ الدَّوَابِّ فَإِنْ لَمْ تُعْقَلْ حَارَتْ فَالْعَقْلُ عِقَالٌ مِنَ الْجَهْلِ وَإِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْعَقْلَ فَقَالَ لَهُ أَقْبِلْ فَأَقْبَلَ وَقَالَ لَهُ أَدْبِرْ فَأَدْبَرَ فَقَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَعِزَّتِي وَجَلَالِي مَا خَلَقْتُ خَلْقًا أَعْظَمَ مِنْكَ وَكَأَطْوَعَ مِنْكَ بِكَ أَبَدًا وَبِكَ أُعِيدُ لَكَ الثَّوَابَ وَعَلَيْكَ الْعِقَابُ - فَتَشَعَّبَ مِنَ الْعَقْلِ الْحِلْمُ وَمِنَ الْحِلْمِ الْعِلْمُ وَمِنَ الْعِلْمِ الرُّشْدُ وَمِنَ الرُّشْدِ الْعَفَافُ وَمِنَ الْعَفَافِ الصِّيَانَةُ وَمِنَ الصِّيَانَةِ الْحَيَاءُ وَمِنَ الْحَيَاءِ الرِّزَاةُ وَمِنَ الرِّزَاةِ الْمُدَاوَمَةُ عَلَى الْخَيْرِ وَمِنَ الْمُدَاوَمَةِ عَلَى الْخَيْرِ كَرَاهِيَةُ الشَّرِّ وَمِنْ كَرَاهِيَةِ الشَّرِّ طَاعَةُ النَّاصِحِ فَهَذِهِ عَشْرَةٌ أَصْنَافٍ مِنْ أَنْوَاعِ الْخَيْرِ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ق: ۱۵).

همانا عقل زانوبندی است بر نادانی و نفس [اماره] مانند پلیدترین جانوران است که اگر پایش بسته نشود، بیراهه می‌رود و سرگردان می‌شود. پس، عقل زانوبند نادانی است و به‌راستی، خداوند عقل را آفرید و به او فرمود: رو کن، و او رو کرد. سپس فرمود: برگرد، و او برگشت. آن‌گاه خدای تبارک و تعالی به او فرمود: به عزت و جلالم سوگند که من آفریده‌ای از تو بزرگ‌تر و فرمان‌بردارتر نیافریدم. به تو آغاز کنم و تو را به درگاه خود برگردانم. معیار پاداش و کیفر تویی. پس، از عقل بردباری نشئت گرفت و از بردباری دانش و از دانش هوشیاری و از هوشیاری پاک‌دامنی و از پاک‌دامنی خویشنداری و از خویشنداری حیا و از حیا وقار و از وقار پایداری بر کار خوب و از پایداری بر کار خوب بیزاری از کار بد و از بیزاری از کار بد پیروی از اندرزگو. پس این ده دسته از انواع اخلاق نیکوست.

بنابراین، عقل به عنوان عامل انگیزشی عالی و به‌منظور حفظ ارزش‌های اخلاقی برای سلامت روانی عمل می‌کند. در آموزه‌های دینی «عقل» نقش بنیادی و محوری در شکل‌گیری رفتار بهنجار و

سالم دارد و بخش مهمی در نظام شخصیت انسان است و از همین روی، کارکردهای انگیزشی عقل عبارت‌اند از: ۱. کارکرد شناختی؛ ۲. کارکرد مهارگری و بازدارندگی؛ ۳. کارکرد جهت‌دهی؛ و لذا عقل، هم در راه‌اندازی رفتار و هم در هدایت رفتار و کنترل آن نقش اساسی دارد (شجاعی، ۱۳۹۷: ۱۷۶).

عوامل سنجش کارکردهای انگیزشی عقل

۱. رفتار: جلوه‌های رفتار فردی را در موقعیت‌های گوناگون بررسی و از چند جهت در فهم انگیزشی عقل کمک می‌کند: یکی از جهت چگونگی رفتار، یعنی نحوه عمل و اینکه موقعیت چه اقتضایی را برای عمل دارد و هر قدر رفتار با ارزش‌های دینی و اخلاقی مطابقت داشته باشد، حاکی از انگیزش عقلانی فرد است، و دیگر اینکه فرد در موقعیت‌های ویژه و شرایط خاص چگونه عمل می‌کند. هر قدر رفتارها واقع‌بینانه و منطقی باشد، حاکی از انگیزش عقلانی مثبت فرد است؛ و سومین جهت نحوه انتخاب و گزینش فرد است: اگر رفتارهای مثبت و انسانی و مطابق با معیارهای ایمانی و اعتقادی را ترجیح دهد، حکایت از انگیزش عقلانی مثبت فرد دارد. در روایات، بر این مسئله تأکید شده است؛ مانند روایتی از امام علی (ع) که می‌فرمایند:

سَيِّئَةٌ تُخْتَبَرُ بِهَا عُقُولُ الرِّجَالِ [النَّاسِ] الْمَصَاحِبَةُ وَالْمُعَامَلَةُ وَالْوَلَايَةُ وَالْعَزْلُ وَالْغِنَى وَالْفَقْرُ
(تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۴۳).

شش چیز است که به وسیله آنها عقل مردان (انسان) سنجیده می‌شود: مصاحبت، معامله، حکومت، معزولی، توانگری و فقر و نداری.

یعنی در این شش حال عقل و خرد انسان و قدر او را می‌توان استنباط کرد و «وجه استنباط در مصاحبت و معامله با او» ظاهر است، و در حکومت به اعتبار خوبی سلوک و طغیان نکردن اوست یا خلاف آن، و در معزولی به اعتبار صبر و اندوهناک زیاد نشدن از آن و مرتبه خود را نگاه داشتن و خفیف نکردن و خلاف آنها، و در توانگری به اعتبار تواضع و فروتنی و بازایستادن از محرمانی که به سبب توانگری قادر بر آنها باشد و خلاف آنها، و در درویشی به اعتبار صبر کردن بر آن و شیکوه نکردن و راضی بودن و خلاف آنها (خوانساری، ۱۳۶۶: ۴ / ۱۳۸). علی (ع) می‌فرمایند:

يُسْتَدَلُّ عَلَيَّ عَقْلُ كُلِّ امْرِئٍ بِمَا يَجْرِي عَلَيِّ لِسَانِهِ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۴۸).

استدلال می‌شود بر عقل هر انسانی به آنچه بر زبان او جاری می‌شود.

یعنی سخنان هرکس دلیل بر قدر عقل و زیرکی او می‌شود. امام صادق (ع) نیز می‌فرمایند:

يَسْتَدْلُ بِكِتَابِ الرَّجُلِ عَلَى عَقْلِهِ وَمَوْضِعِ بَصِيرَتِهِ وَرِسْوَلِهِ عَلَى فَهْمِهِ وَفُطْنَتِهِ (مجلسی، ۱۴۰۴ ق: ۱ / ۱۳۰).

عقل و بصیرت هر انسانی به سبب نوشته‌های او شناخته می‌شود و همچنین به سبب نامه‌های او فهم و هوشمندی او معلوم می‌شود.

۲. گفتار و گزارش شخصی افراد: دومین روش در تشخیص میزان انگیزش عقلی فرد گفتار و گزارش شخصی افراد است. پس، با روش و سنجش آماری از طریق پرسش‌نامه‌هایی که در همین جهت طراحی می‌شود، می‌توان میزان انگیزش عقلانی در افراد را بر اساس ویژگی‌ها و متغیرهایی که در آن پیمایش طراحی شده است به دست آورد.

۳. کنترل حالت‌های هیجانی و احساسی در افراد: این عامل ارتباط مستقیمی با میزان انگیزش عقلی فرد دارد. انگیزش عقلانی تأثیر زیادی در کنترل خشم، عصبانیت و پرخاشگری و نظیر این حالات دارد. امام علی علیه السلام می‌فرمایند:

سَيِّئَةٌ تُخْتَبَرُ بِهَا عُقُولُ النَّاسِ الْجِلْمُ عِنْدَ الْغَضَبِ وَالصَّبْرُ عِنْدَ الرَّهَبِ وَالْقَصْدُ عِنْدَ الرَّغَبِ وَتَقْوَى اللَّهِ فِي [عَلِي] كُلِّ حَالٍ وَحُسْنُ الْمُدَارَاةِ وَقِلَّةُ الْمُمَارَاةِ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۹).
شش چیز است که به آنها عقل‌های مردمان آزمایش می‌شود: بردباری نزد خشم، شکیبایی نزد ترس، قصد نزد خواهش، ترس از خدا در هر حال، نیکویی مدارا و سازش، و کمی جدال و ستیزه.

مراد به «ترس» چیزی است که مردم ترس از آن داشته باشند از بلاها و مصیبت‌ها و مراد به «قصد» میانه‌روی است یا راست‌روی؛ یعنی اینکه نزد خواهش امری میانه‌روی کند در آن و در طلب آن و افراط نکند یا از راه راست به در نرود و مرتکب گناهی نگردد (خوانساری، ۱۳۶۶: ۴ / ۱۴۰).

۳. نقش انگیزشی «قلب» در آموزه‌های اخلاقی دین

قلب در لغت به معنای خالص‌ترین و شریف‌ترین بخش هر چیز و بازگرداندن چیزی از جهتی به سمت دیگر است. کل تغییر و تحولات روحی انسان به قلب نسبت داده می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۳۹۸: ۷۷۸؛ ۱۴۲۶ ق: ۶۸۱). قلب نقش انگیزشی مهمی در روان‌شناسی اخلاق دینی دارد. در آیات قرآن، صفات، افعال و حالات مختلفی به قلب نسبت داده شده است که به دو جهت کلی تقسیم می‌شود: یک جهت حالت‌های احساسی و عاطفی است که شامل بیم و امیدها، دوستی و دشمنی‌ها و عشق و نفرت‌هایی می‌شود که در انسان متغیر و متحول است و جهت دیگر

کیفیت شناخت و درک انسان است که شامل تمام حالت‌های روان‌شناختی می‌شود که به فهم و درک انسان از حوادث و پدیده‌های بیرونی مربوط می‌شود. بنابراین، می‌توان گفت «قلب» شریف‌ترین و مهم‌ترین بخش حیات روحی انسان است؛ همچنان‌که «قلب جسمی» در بدن انسان هم نقش منحصر به فرد مهم و کلیدی دارد و با از کار افتادن آن، حیات انسانی متوقف و منجر به مرگ می‌شود، درحالی‌که هیچ‌یک از اعضای بدن، حتی مغز، چنین نقشی ندارد (خدایاری فرد، ۱۴۰۰: ۴۲). به عنوان نمونه، دو آیه برای تبیین موضوع ذکر می‌شود. البته آیات متعددی در بیان این موضوع وجود دارد.

وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَٰئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَٰئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ (اعراف / ۱۷۹).

و درحقیقت، بسیاری از جنیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده‌ایم؛ [چراکه] دل‌هایی دارند که با آن [حقایق را] دریافت نمی‌کنند و چشمانی دارند که با آنها نمی‌بینند و گوش‌هایی دارند که با آنها نمی‌شنوند. آنان همانند چهارپایان، بلکه گمراه‌ترند. [آری،] آنها همان غافل‌ماندگان‌اند.

بنابراین، عدم کارکرد درست حالت قلبی انسان موجب تنزل مقام انسانی تا حد حیوانات، بلکه بسیار پایین‌تر از آن می‌شود، و در چنین حالتی، انسان به لحاظ روان‌شناختی هم دچار سردرگمی و سرگردانی و غفلت است. پس، مسیر درست رشد اخلاقی و روحی خود را تشخیص نمی‌دهد.

لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ (بقره / ۲۲۵).

خداوند شما را به سوگندهای لغواتان مؤاخذه نمی‌کند، ولی شما را بدانچه دل‌هایتان [از روی عمد] فراهم آورده است مؤاخذه می‌کند؛ و خدا آمرزنده بردبار است.

آیه شریفه قرآن ملاک و معیار مؤاخذه انسان‌ها را اکتسابات قلبی آنها می‌داند و این بدان معناست که ما راجع به حوادث و پدیده‌های زندگی چه رویکرد روان‌شناختی‌ای داریم؛ زیرا در نتیجه اعمال و رفتار ما خودش را نشان می‌دهد؛ همچنان‌که در روایات به کارکردهای نقش «انگیزشی قلب» از جهات مختلف اشاره شده است. به عنوان نمونه، به برخی سخنان حضرت علی (علیه السلام) در نهج البلاغه اشاره می‌شود:

إِنَّ الزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا تَبْكِي قُلُوبُهُمْ وَإِنْ ضَحِكُوا وَیَسْتَدُّ حُزْنُهُمْ وَإِنْ فَرَحُوا وَیَكْثُرُ مَقْتُهُمْ أَنْفُسُهُمْ وَإِنْ اغْتَبَطُوا بِمَا رَزَقُوا قَدْ غَابَ عَنْ قُلُوبِهِمْ ذِكْرُ الْآجَالِ (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۳).

همانا زاهدان اگرچه خندان باشند، قلبشان می‌گردد و اگرچه شادمان باشند، اندوه آنان شدید است و اگرچه برای نعمت‌های فراوان مورد غبطه دیگران قرار گیرند، با نفس خود در دشمنی بسیاری قرار دارند.

مفاد این خطبه اشاره به «کارکرد عاطفی قلب» است که نقش انگیزشی قلب را در حالات روحی و روانی زاهدان به تصویر کشیده است. آنچه ما در ظاهر انسان زاهد می‌بینیم، حقیقت پنهانی در درون دارد که حاکی از توجه او به تزکیه و تهذیب نفس است و درباره این ظاهر نباید داوری و قضاوت کرد:

خطبه ۸۳ نهج البلاغه اشاره به «کارکرد شناختی و معرفتی قلب» دارد:

فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ تَقِيَّةَ ذِي لُبٍّ شَغَلَ التَّفَكُّرُ.

از خدا چون خردمندان بترسید که دل را به تفکر مشغول داشته‌اند.

اگر انسان در درون به آیات و نشانه‌های الهی به طور عمیق فکر کند، به این شناخت می‌رسد که در برابر عظمت الهی باید سر تعظیم و تواضع فرود آورد و این نقش انگیزشی قلب خارج از چهارچوب کسب علم و آگاهی رسمی و مدرسه‌ای است. امام علی علیه السلام می‌فرمایند:

فَطُوبَى لِمَنْ لَدَى قَلْبٍ سَلِيمٍ أَطَاعَ مَنْ يَهْدِيهِ وَتَجَنَّبَ مَنْ يُرْدِيهِ وَأَصَابَ سَبِيلَ السَّلَامَةِ بَبَصَرٍ مَنْ بَصَرَهُ وَطَاعَةَ هَادٍ أَمْرَهُ وَبَادَرَ الْهُدَى قَبْلَ أَنْ تُغْلَقَ أَبْوَابُهُ وَتُقَطَعَ أَسْبَابُهُ وَاسْتَفْتَحَ التَّوْبَةَ وَأَمَّاطَ الْحَوْبَةَ فَقَدْ أُقِيمَ عَلَى الطَّرِيقِ وَهُدِيَ نَهْجَ السَّبِيلِ (همان، خطبه ۱۲۴).

خوشا به حال کسی که قلبی سالم دارد، خدای هدایتگر را اطاعت می‌کند، از شیطان گمراه‌کننده دوری می‌گزیند، با راهنمایی مردان الهی با آگاهی به راه سلامت می‌رسد، و به اطاعت هدایتگرش می‌پردازد و به راه رستگاری پیش از آنکه درها بسته شود و وسایلش قطع شود، می‌شتابد، در توبه را می‌گشاید و گناهان را از بین می‌برد. پس، [چنین فردی] به راه راست ایستاده و به راه حق هدایت شده است.

این خطبه حاکی از «کارکرد اخلاقی و معنوی قلب» است. اگر کانون و مرکز درونی انسان که قلب نماد آن است از تعلقات و امیال شیطانی به‌دور باشد، شخص دارای قلب سالم است و موجب نورانیت و معنویت در درون او می‌شود و این انسان مستعد بروز رفتار و اعمال اخلاقی است و از راه راست صداقت و پاکی به انحراف نمی‌رود. بنابراین، «قلب» ساحتی است که در امور عاطفی و علم حضوری انسان نقش مهمی دارد و در امور شناختی با واسطه عقل و ذهن عمل می‌کند و در امور

اخلاقی و معنوی تصمیم‌گیری نهایی پس از ارزیابی‌های شناختی و عاطفی به عهده قلب است؛ یعنی به عنوان یک مرکز فراشناختی عمل می‌کند (آذربایجانی و شجاعی، ۱۳۹۷: ۸۴ - ۷۵).

ارتباط انگیزش اخلاقی با عمل اخلاقی در دین

هر فعلی را که با قصد و اراده انجام گیرد عمل می‌نامند و این اخص از «فعل» است که گاهی به حیوانات هم نسبت داده می‌شود و اساساً عمل درباره حیوانات استعمال نشده است (راغب اصفهانی، ۱۳۹۸: ۶۵۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۲۶ ق: ۵۸۷). واژه «عمل» در قرآن در صیغه‌های مختلف اسمی و فعلی به کار رفته است. مهم‌ترین اشتراک همه آنها این است که عمل را با ارجاع به امری اخلاقی توصیف و تبیین کرده و به طور کلی، مؤلفه و شاکله شخصیت انسان را به نوع عمل او گره زده است. بنابراین، در آموزه‌های وحیانی، هم عمل شخصیت‌ساز است و هم شخصیت عمل‌آفرین است و بین این دو مقوله لزوم بسیار بالایی وجود دارد. در روان‌شناسی اخلاق دینی، «عمل» مقوله مهمی است. بدیهی است که حاصل تمام کنش‌ها و واکنش‌های درونی انسان در قالب عمل خودش را آشکار می‌کند. در مباحث اخلاقی، فلسفی و کلامی، «عمل» را نقش آشکار شده و به‌ظهور رسیده «نفس» می‌دانند. لذا شاید بتوان این‌طور تعبیر کرد که نفس انسانی دو لایه درونی و بیرونی دارد. لایه درونی عقل و اندیشه و احساسات درونی و لایه بیرونی عمل و رفتار است. بنابراین، در روان‌شناسی اخلاق دینی «نقش انگیزشی قلب و عقل» در «عمل و رفتار» ظهور و بروز پیدا می‌کند. البته عمل و رفتار انسان بر اثر عادات و مهارت‌ها و تمرین و تکرارها موجب ویژگی‌های درونی می‌شود که درواقع ارتباطی از بیرون به درون یا ظاهر به باطن خواهد بود. این مسئله در روان‌شناسی اخلاق دینی دارای اهمیت فراوانی است، که در این تحقیق، به قدر مجال به بُعدی از آن اشاره شده است.

آنچه از مطالعه آموزه‌های اخلاقی دین در مقوله «عمل و رفتار» استفاده می‌شود این است که عمل را به طور غالب در آیات و روایات با شاخصه و عنوان «عمل صالح» در کنار «ایمان» معرفی می‌کند و در آموزه‌های اخلاقی دین عمل صالح عملی است که هم حسن فعلی دارد هم حسن فاعلی و به عبارتی، حسن فعلی حاکی از آن است که خود فعل و پیکره آن از مصادیق اخلاقی محسوب می‌شود و حسن فاعلی اشاره به انگیزش اخلاقی است که برای انجام آن شکل گرفته و در طول انگیزش اخلاقی این نیت و قصد از انجام فعل است که به آن ارزش اخلاقی می‌بخشد.

برخی مفاهیم اخلاقی دین این ویژگی را دارند که در آنها هم جنبه ذاتی و مصداقی خود فعل

مدنظر است هم به بعد و جهت انگیزشی فعل توجه می‌شود. به عنوان نمونه، مفاهیم اخلاقی «تقوا» و «اخلاص» را در برخی آیات و روایات بررسی می‌کنیم.

۱. نقش انگیزشی و اخلاقی تقوا

مفهوم اخلاقی «تقوا» در آیات و روایات، ویژگی‌های چگونگی شکل‌گیری عمل را بیان می‌کند و یکی از ویژگی‌های اخلاقی مهمی است که مربوط به عمل می‌شود. تقوا درجه و میزان عمل را در انگیزش اخلاقی می‌تواند بسنجد. در آیه شریفه آمده است:

وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا × فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا (شمس / ۸ - ۷).

سوگند به نفس و آن‌کس که آن را درست کرد؛ و سپس پلیدکاری و پرهیزکاری‌اش را به آن الهام کرد.

بنابراین، نفس انسان قابلیت و استعداد انگیزشی دو ویژگی فجور و تقوا را دارد و این با عمل ظهور و بروز پیدا می‌کند؛ همچنان‌که به لحاظ روان‌شناختی، عمل هر فردی حاصل شاکله شخصیتی آن فرد دانسته شده است و در ادبیات تمثیلی فارسی هم خوب گفته‌اند: «از کوزه همان برون تراود که در اوست.» در قرآن آمده است:

قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا (إسراء / ۸۴).

بگو هر کس بر حسب ساختار [ادرونی و شخصیتی] خود عمل می‌کند، و پروردگار شما به هر که راه‌یافته‌تر باشد داناتر است.

در برخی روایات هم به نقش انگیزشی «تقوا» اشاره شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:

تَمَامُ التَّقْوَى أَنْ تَتَعَلَّمَ مَا جَهِلْتَ وَتَعْمَلَ بِمَا عَلِمْتَ (ورام بن ابی‌فراس، ۱۴۱۰ ق: ۲ / ۱۲۰).

همه تقوا این است که آنچه را که نمی‌دانی بیاموزی و آنچه را می‌دانی به کار بندی.

از سخن پیامبر صلی الله علیه و آله استفاده می‌شود که تقوا شرایط روحی است که در عرصه عمل خود را نشان می‌دهد و فقط به ادعا و حرف نیست. حضرت دو ویژگی انگیزشی برای تقوا فرموده‌اند: انگیزه علم‌آموزی برای اموری که به آنها جاهل و نادان هستی و انگیزه برای عمل به اموری که به آنها آگاه و عالمید. امام علی علیه السلام می‌فرمایند:

التَّقْوَى أَنْ يَتَّقِيَ الْمَرْءُ كُلَّ مَا يُؤْتِمُهُ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۶۸).

تقوا این است که انسان از هر آنچه او را به گناه می‌کشاند بپرهیزد.

از امام صادق (ع) در تفسیر تقوا سؤال شد. فرمودند:

أَنْ لَا يَفْقِدَكَ اللَّهُ حَيْثُ أَمَرَكُ وَلَا يَرَاكَ حَيْثُ نَهَاكَ (مجلسی، ۱۴۰۴ ق: ۶۷ / ۲۸۵).
تقوا این است که خداوند تو را در جایی که فرمانت داده غایب نبیند و در آنجا که نهی‌ات کرده است حاضر نیابد.

از بیان امام علی (ع) و امام صادق (ع) این‌گونه استنباط می‌شود که تقوا موجب انگیزش اخلاقی در انسان می‌شود تا مراقب اعمال و رفتارش باشد و تنها یک نوع پرهیز و گریز از مسائل و دشواری‌های زندگی نیست، بلکه انسان پرهیزکار با آمادگی روحی خود باید در همه صحنه‌های زندگی حضور بجا و مناسب داشته باشد و اوضاع و احوال پیرامون خود را مدیریت و کنترل کند.

۲. نقش انگیزشی و اخلاقی اخلاص

در آموزه‌های اخلاقی دین، به اخلاص در عمل بسیار سفارش شده است. عمل بدون اخلاص عمل مرده و بی‌روح تلقی می‌شود. البته این بدین معنا نیست که عمل آثار خود را نداشته باشد و مسلم است که هر عملی آثار دنیایی خود را دارد؛ اما در اخلاق دینی چهره دیگری از اثر عمل را می‌خواهد گوشزد کند که بالاتر از مصرف دنیایی آن است و این مخصوص کسانی است که در عمل، آن نگاه توحیدی و رضای الهی را هم در نظر گیرند. قرآن کریم «اخلاص» را نیروی انگیزشی اخلاقی قوی برای مقابله با هرگونه آلودگی و گناه معرفی کرده است. به اقرار خود شیطان، بندگانی که اخلاص دارند از فریب‌ها و نیرنگ‌های او مصون‌اند:

قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ * إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ (ص / ۸۳ - ۸۲).

[شیطان] گفت: «پس، به عزت تو سوگند که همگی را جداً از راه به در می‌برم؛ مگر آن بندگان پاک‌دل تو را.»

بنابراین، بر اساس استدلال قرآن کسانی که به لحاظ انگیزشی و اخلاقی در اعمال و رفتار خود سوگیری و هدفی جز خدا ندارند، از افتادن در ورطه رفتارهای غیراخلاقی مصون‌اند و خداوند هم کمک به این‌گونه بنده‌های خود را تضمین کرده است.

در روایات هم به نقش انگیزشی و اخلاقی «اخلاص» اشاره شده و برای آن درجات و مراتبی را فرموده‌اند و به طور کلی، ارزش عمل را با شاخص و معیار اخلاص سنجیده‌اند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند:

الْعَالَمُونَ كُلُّهُمْ هَالِكُونَ إِلَّا الْعَامِلُونَ وَالْعَامِلُونَ كُلُّهُمْ هَالِكُونَ إِلَّا الْمَخْلُصُونَ وَالْمَخْلُصُونَ فِي خَطَرٍ عَظِيمٍ (ورام بن ابی‌فراس، ۱۴۱۰ ق: ۲ / ۱۱۸).

عالمان همه به هلاکت درافتند، مگر آنان که به علم خود عمل کنند و عاملان همه هلاک شوند، مگر آنان که از روی اخلاص کار کنند و مخلصان در خطر بزرگانند.

امام علی علیه السلام می‌فرمایند:

طُوبَى لِمَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ عَمَلَهُ وَعِلْمَهُ وَحُبَّهُ وَبُغْضَهُ وَأَخَذَهُ وَتَرَكَهُ وَكَلَامَهُ وَصَمْتَهُ وَفِعْلَهُ وَقَوْلَهُ (مجلسی، ۱۴۰۴ ق: ۷۴ / ۲۹۰).

خوشا آن که عمل و علمش، دوستی و دشمنی‌اش، انجام دادن و ترک کردنش، سخن و سکوتش، و کردار و گفتارش فقط برای خدا باشد.

بنا بر مفاد روایات، اخلاص در عمل به انگیزش درونی هر فرد برمی‌گردد که چه جهت‌گیری و قصدی از انجام عمل دارد: آیا صرفاً برای پیدا کردن شهرت و مقام است یا عمل را برای آرامش درونی خود انجام می‌دهد. در هر صورت، اگر مقصد توحیدی و الهی در کار نباشد، عمل خالص نیست. البته ثمره و نتیجه عمل خالص این است که فرد محبوب قلوب می‌شود و مورد توجه قرار می‌گیرد و نیازی نیست که او برای این قصد برنامه‌ریزی کند. درواقع، این اثر سنت الهی است که در عمل خالص قرار داده و مناسب است که انسان مؤمن به این روابط و آثار در زندگی توجه داشته باشد.

نتیجه

در این پژوهش معلوم شد که عوامل و موانع «انگیزش اخلاقی» در قصد و نیت انجام فعل اخلاقی با رویکرد «روان‌شناسی اخلاق دینی» قابل بررسی و واکاوی است. همین مسئله در آموزه‌های اخلاقی دین هم وجود دارد؛ با این بیان که افراد متدین یا مدعی دین‌داری با علم به الزامات اخلاقی دین، برای انجام فعل اخلاقی انگیزه ندارند یا گاهی برخلاف دستورهای اخلاقی دین عمل می‌کنند. مطالعه و بررسی نقش انگیزش اخلاقی «عقل» و «قلب» با توجه به مفاد برخی آیات و روایات از عناصر و ارکان مهم در این رویکرد است. به‌علاوه، نقش انگیزشی آنها در ایجاد قصد و نیت انجام فعل اخلاقی با عوامل و موانعی روبه‌رو بود که برخی از آنها را بررسی کردیم. در آموزه‌های اخلاقی دین، انگیزش اخلاقی با عمل اخلاقی ارتباط دارد و در برخی مفاهیم اخلاقی مانند «تقوا» و «اخلاص» این نقش انگیزش اخلاقی کاملاً واضح و آشکار است. به طور کلی، با رویکرد

روان‌شناسی اخلاق دینی، نقش انگیزشی اغلب مفاهیم اخلاقی دین را می‌توان تحلیل و بررسی کرد و این رویکردی نوین در شناخت علل و عوامل «شکاف بین معرفت اخلاقی و عمل اخلاقی» است که منجر به ضعف اخلاقی و حتی اخلاق ناپروایی در میان برخی افراد می‌شود.

منابع و مآخذ

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

۱. آذربایجانی، مسعود و سید مهدی موسوی اصل، ۱۳۸۵، *درآمدی بر روان‌شناسی دین*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
۲. آذربایجانی، مسعود و محمدصادق شجاعی، ۱۳۹۷، *روان‌شناسی در نهج البلاغه* (مفاهیم و آموزه‌ها)، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۰۸ ق، *لسان العرب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴. ادواردز، پل و ام. بورچرت، ۱۳۹۲، *دانشنامه فلسفه اخلاق*، ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران، سوفیا.
۵. بشیری، ابوالقاسم، ۱۳۹۳، «نظریه انگیزش در اندیشه دینی»، نشریه *روان‌شناسی و دین*، ش ۲۶، سال هفتم، دوره ۲، ص ۶۰-۳۹.
۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶، *غور الحکم و درر الکلم*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۷. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۸، *شریعت در آینه معرفت*، ویرایش حمید پارسانیا، قم، مرکز نشر اسراء.
۸. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ ق، *تحف العقول*، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۹. حسینی قلعه بهمن، سید اکبر، ۱۳۹۶، *واقع‌گرایی اخلاقی در نیمه دوم قرن بیستم*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۱۰. خدایاری‌فرد، محمد و همکاران، ۱۴۰۰، *درآمدی بر مبانی روان‌شناسی اسلامی*، تهران، دانشگاه تهران.
۱۱. خوانساری، آقاجمال‌الدین، ۱۳۶۶، *شرح غور الحکم و درر الکلم*، تهران، دانشگاه تهران.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۹۸، *المفردات فی غریب القرآن*، ترجمه و تبیین محمد بندرریگی و همکاران، تهران، اسلامی.

۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۲۶ ق، *مفردات الفاظ القرآن الکریم*، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت، الدار الشامیه.
۱۴. شجاعی، محمدصادق، ۱۳۹۷، *درآمدی بر روان‌شناسی تنظیم رفتار با رویکرد اسلامی*، قم، پژوهشکده علوم و معارف حدیث.
۱۵. صادقی، هادی، ۱۳۹۷، *فلسفه اخلاق در دایره عقل و دین*، قم، مؤسسه فرهنگی طه، کتاب طه.
۱۶. علیا، مسعود، ۱۳۹۱، *فرهنگ توصیفی فلسفه اخلاق*، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
۱۷. گورمن، تام، ۱۳۸۷، *انگیزش* (برانگیختن قوه ابتکار، ترغیب به عمل، دستیابی به هدف)، ترجمه سینا قربانلو، تهران، مبلغان.
۱۸. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، ۱۴۰۴ ق، *بحار الأنوار*، بیروت، مؤسسة الوفا.
۱۹. موسوی اصل، سید مهدی و همکاران، ۱۳۹۶، *روان‌شناسی اخلاق*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۰. نراقی، ملامحمدمهدی، ۱۳۹۰، *گزیده ترجمه جامع السعادات*، ترجمه و گزینش جلال‌الدین مجتبوی، تهران، حکمت.
۲۱. ورام بن ابی‌فراس، مسعود بن عیسی، ۱۴۱۰ ق، *تنبیه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعه ورام)*، قم، مکتبه فقیه.
۲۲. وندان بوس، گری آر.، ۱۳۹۱، *فرهنگ توصیفی انجمن روان‌شناسی امریکا (APA)*، ترجمه شهریار شهیدی و همکاران، تهران، ارس.